

ماه رجب، ماه یگانه شدن با خدا؛ ص: ۶

ماه رجب، ماه یگانه شدن با خدا، ص: ۶

مقدمه ناشر

بحث «ماه رجب، ماه یگانگی با خدا»؛ سخنرانی استاد طاهرزاده در جمع برادران و خواهرانی است که مایل بودند با آگاهی بیشتر نسبت به مقام ماه رجب و آداب و انکار آن ماه، نهایت استفاده را از این ماه عظیم الهی ببرند.

در این بحث سعی شده ابتدا جایگاه ماه رجب در متون روایی، خوب تبیین شود و سپس جایگاه انکار و اعمال این ماه در سلوک یک انسان سالک مشخص گردد، تا مؤمنین دانسته و آگاهانه نسبت به آن اعمال برخورد کنند و صرفاً مشغول آداب قالبی آن ماه نگردند.

در این بحث روشن شده است، چگونه انسان به شخصیتی می رسد که در روز قیامت به عنوان «رجبیون»

ماه رجب، ماه یگانه شدن با خدا، ص: ۷

شناخته می شود؟ و چگونه خداوند شرایط صعود انسان را در ماه رجب فراهم نموده است؟ و چگونه می شود که یک ماه، ظرفیت یگانه شدن با خدا را برای انسان فراهم نماید و

فلسفه این که ماه رجب، ماه حرام الهی قرار گرفته است چیست و چگونه می شود مقام غیبی ماه رجب را در خود احیاء و سپس کشف کرد؟ و چرا از یک جهت در روایت می فرماید: ماه رجب، ماه خدا است و از یک جهت می فرماید: ماه رجب، ماه امیرالمؤمنین «علیه السلام» است؟ و در آخر، با چند توصیه برای هرچه بیشتر بهره بردن از ماه رجب، بحث به اتمام می رسد.

انتشارات لبّ المیزان امید دارد که از این طریق توانسته باشد قدمی در هرچه بیشتر بهره بردن مؤمنین و مؤمنات برداشته و إن شاء الله وسیله احیاء بیش از پیش معارف و اخلاق اسلامی را در جامعه فراهم کرده باشد.

انتشارات لبّ المیزان

ماه رجب، ماه یگانه شدن با خدا، ص: ۸

بسم الله الرحمن الرحيم

حلول ماه مبارک رجب را تبریک عرض می کنیم و ضمن سلام به مقام تکوینی ماه رجب، عاجزانه از خدا می خواهیم مرحمتی بفرماید که ما از نعمت ها و رحمت های این ماه محروم نشویم.

ماه غلبه اسم رحمت

رجب؛ ماهی که خداوند جنگ با دشمنان را نیز ممنوع فرموده است، تا برای همه انسان ها امن و امان باشد، تا هر کس خواست به جوار حضرت حق نزدیک شود، اسم رحمت حق به استقبال او رود و او را وارد رحمت الهی نماید و طعم ورود به مقام انس با حق را به قلب او بچشاند.

خسران بزرگی است که در ماه عزیز رجب، قلب را نسبت به این ماه متذکر نکنیم. در این ماه باید به قلب بگوییم:

ماه رجب، ماه یگانه شدن با خدا، ص: ۹

ای قلب! متوجه باش، وقتی خداوند جنگ با دشمنان خدا را در این ماه ممنوع نموده، بنگر با دوستان خود چه خواهد کرد.

ای قلب! غافل مباش، در این ماه به خطاهای تو نمی نگرند، مایوس هم مباش، می خواهند تو را وارد بنده های خاص گردانند.

حدیث فرشته داعی

در مورد عظمت و اهمیت ماه رجب توجه کنید به روایت مشهوری از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) در کتب روایی ما از جمله در کتاب اقبال سید بن طاووس در اعمال ماه رجب و یا در کتاب المراقبات مرحوم آیت الله ملکی تبریزی (رحمة الله علیه)^۱ که به حدیث فرشته «داعی» مشهور است. آن روایت عبارت است از این که:

ماه رجب، ماه یگانه شدن با خدا، ص: ۱۰

رُوی عن النبی (صلوات الله علیه و آله): «انَّ اللهَ تَعَالَى نَصَبَ فِي السَّمَاءِ السَّابِعَةِ، مَلِكًا يُقَالُ لَهُ الدَّاعِي»؛ یعنی خداوند یک ملکی در آسمان هفتم دارد که اسم آن ملک «داعی» است. چرا جایگاه این ملک آسمان هفتم است؟ چون آسمان هفتم مقام حقیقت محمدی (صلی الله علیه و آله وسلم) است یعنی این روایت بر مقام پیامبر آخر الزمان (صلی الله علیه و آله وسلم) منطبق است. بعد حضرت محمد (صلوات الله علیه و آله) می فرمایند: «فَإِذَا دَخَلَ شَهْرُ رَجَبٍ، يُنَادِي ذَلِكَ الْمَلِكُ كُلَّ لَيْلَةٍ مِنْهُ إِلَى الصَّبَاحِ» از سر شب تا صبح این ملک ندا می کند. یعنی نوری از غیب هفتم عالم بر غیب جان شما ندا می کند - یک ارتباط پنهانی باطنی از باطن عالم که همان آسمان هفتم باشد و دیگر بالاتر از آن مرتبه ای نیست، ارتباطی از آن باطنی ترین حقایق، با بنیان وجود ما برقرار می شود. آری؛ خداوند آن ملک را مأمور کرده است که در این ماه با جان ما حرف هایی را بزند، که عرض خواهیم کرد. خداوند به لطف و کرم

^۱ (۱) - کتاب «المراقبات» مرحوم آیت الله ملکی تبریزی جهت مرآه ماه های رجب و شعبان و رمضان و ذیحجه. کتاب ارشمندهی است. لازم است تحریراتی که می خوانند در سلوک قدیمی بردارند. از آن استنباط نمایند.

خودش به ما کمک کند که در این ماه آن ندا را بشنویم، آری می شود شنید. خودتان ملاحظه کنید، در شروع ماه رجب گویا حال و هوای روحی

ماه رجب، ماه یگانه شدن با خدا، ص: ۱۱

شما مستعد پذیرش الطاف خاصی شده است. پس معلوم است آن ندا چون نسیمی بر جان مسلمانان می وزد و پیامبر اکرم (صلوٰه الله علیه وآله) نیز این نور را می بینند که دارند از آن خبر می دهند و به ما توصیه می فرمایند: خود را برای پذیرش آن الطاف خاص آماده کنید.

حتماً می دانید که ماه رجب قبل از اسلام هم مورد توجه بوده است. حضرت نوح (علیه السلام) در ماه رجب کشتی شان را حرکت دادند، چون در چنین شرایطی امید بیشترین لطف را داشتند. در تاریخ داریم که خود اهل مکه با این که مسلمان نبودند حرمت این ماه را حفظ می کردند، چون رعایت حرمت ماه رجب و استفاده کردن از الطاف خاص خداوند در این ماه در پیام سایر پیامبران (سلام الله علیهم) هم مطرح بوده است و اهل مکه در عین بت پرستی، تحت تأثیر توصیه انبیاء گذشته بوده اند.

این ملک «داعی» چه می گوید؟ ملاحظه کنید این انوار به قلب می خورد «طُوبَى لِلذَّاكِرِينَ، طُوبَى لِلطَّائِعِينَ» یعنی ملک می گوید، خوشا به حال آنهایی که اهل ذکر حق هستند،

ماه رجب، ماه یگانه شدن با خدا، ص: ۱۲

خوشا به حال آنهایی که اهل اطاعت از حق هستند و لذا به جهت گفتار این ملک، علاقه ای به ذکر خدا و کششی به سوی اطاعت بیشتر در شما ایجاد می شود. ملک می گوید:

ای ذاکران! مطیعان! مستغفران! مژده، مژده، بشارت، بشارت. «يَقُولُ اللهُ تَعَالَى: اَنَا جَلِيسُ مَنْ جَالَسَنِي»؛ این ملک می گوید که خدای تعالی می فرماید: کسی که با من بنشیند، من با او می نشینم، من همنشین کسی هستم که با من همنشین شود. یعنی خداوند در این ماه از طریق سرش ملک داعی، مخلوقش را به همنشینی با خودش دعوت می کند و برمی انگیزاند. و

حتماً می دانید با ذکر و یاد خدا و رعایت دقیق حرام و حلال حضرت حق است که ما یاد خدا می کنیم و این ها وسیله ای است که آدم زمینه ای فراهم کند تا با خدا بنشیند. خداوند خبری را در این ماه خاص به طالبان انس با حق می دهد که بنده می تواند همنشین خاصی الهی را در این ماه برای خود تهیه ببیند و به واقع لطفی از این بالاتر نیست، گفت:

این که بینی مرده و افسرده ای زان بُود که ترک سرور کرده ای

ماه رجب، ماه یگانه شدن با خدا، ص: ۱۳

می خواهند در این ماه راه انس با حق را برای ما باز کنند. دیده اید بعضی مواقع از بودن خودتان خسته شده اید، دائماً حوصله تان سر می رود؟! این به جهت قطع ارتباط باطنی قلب است با حق، حالا اگر انس با حق وارد زندگی و

جان تان شد و خداوند جلیس شما شود، حوصله سر رفتن برایتان معنی نمی دهد. چرا که:

هر که در خانه اش صنم دارد گر نیاید برون چه غم دارد

اتحاد حکم عبد با رب

ادامه سخن حضرت حق این است:

«وَ مُطِيعٌ مَنْ اطاعنى»؛ الله اکبر! خیلی عجیب است، خداوند می فرماید: در این ماه بدانید که من اطاعت می کنم از کسی که از من پیروی کند. ببینید مشکل چقدر عجیب حل می شود. مگر ما گاهی نمی خواهیم از شرّ یک مشکل یا از یک فساد اخلاقی و از وسوسه های آزاردهنده، راحت شویم؟ می فرماید: این ماه آن زمانی است که اگر یاد مرا در قلبت زنده کنی و از من اطاعت کنی، آن وقت هر چه بخواهی، من از تو اطاعت می کنم و هر چه بخواهی به تو

ماه رجب، ماه یگانه شدن با خدا، ص: ۱۴

می دهم. یعنی از دریچه رجبی شدن، می شود حوائجی را که خداوند حاضر و مایل است به ما بدهد، به ما بدهد. یعنی بنده رجبی، بنده ای است که می تواند کاری کند که حکم خدا با حکم خود آن بنده متحد شود.

خداوند سخت عاشق بنده خودش است و به دنبال آن است که بنده اش از او چیزی بخواهد تا درخواست آن بنده را اجابت کند. حالا در ماه رجب این محبت و عشق به بند گانش به اوج خود می رسد و لذا خودش در دهان بنده اش می گذارد که من مطیع کسی هستم که از من اطاعت کند، پس بنده عزیز من! یک قدم در راه بندگی من بردار، و بعد شروع کن از من چیز خواستن، من مطیع درخواست های تو هستم. این سفره به صورت خاص آن در ماه رجب گسترده شده است و لذا باید هنر استفاده کردنش را به دست آورد.

ماه رجب، ماه یگانه شدن با خدا، ص: ۱۵

رجب؛ عامل شکل دهی به شخصیت قیامتی انسان

در همین جا یادتان بیاوریم که در روایت هست: «در روز قیامت در موقف محشر، یعنی در آن تنهایی محض، ندا می آید: «این الرَّجَبِیون»؛ یعنی کجایند کسانی که در ماه رجب، با خدای خود انس خاص گرفتند و نگذاشتند ماه رجب به راحتی از دستشان برود؟ پس معلوم است که با اعمال ماه رجب برای انسان یک نوع شخصیت خاص پدید می آید، یعنی رجبی شدن یک نوع وجود تکوینی و یک هویت خاص برای انسان به وجود می آورد که در عالم قیامت که حقایق ظاهر می شود، این شخصیت خاص آن ها ظاهر می گردد. رجبی شدن، چیز ساده اعتباری مثل اسم گذاری روی افراد نیست که بدون رابطه با حقیقت افراد باشد.

در عظمت ماه رجب، رسول خدا «صلوٰه الله علیه وآله» می فرمایند: ماه رجب؛ ماه عظیم خدا است که هیچ ماهی از نظر حرمت و فضل در نزد خدا همطراز آن نیست. حتی در زمان جاهلیت ماه رجب را محترم می شمردند، و اسلام عظمت آن را مورد تأکید قرار داد. بعد فرمودند

: انَّ رَجَبَ شَهْرُ «الله» و شعبان «شهری» و رمضان «شهر امتی»

، یعنی رجب ماه

ماه رجب، ماه یگانه شدن با خدا، ص: ۱۶

خدا است و شعبان ماه من است و رمضان ماه امت من است.^۲

استغفار خاص

در ادامه روایت هست که آن ملک از زبان خدا می فرماید: «غَافِرٌ مِّنِ اسْتِغْفَرَنِي» من بخشنده آنم که از من بخشش خواهد. معلوم است استغفار ماه رجب، استغفار خاص است. عموماً یکی از زکرهاي ماه رجب ذکر استغفار است و به شکل های مختلف هم آمده است، همه اش روی حساب است. آنجا که در گفتن استغفار، «رَبِّي» ندارد و می فرمایند: هر روز ۷۰ مرتبه صبح و ۷۰ مرتبه عصر بگوید: «اسْتَغْفِرُاللهَ وَ اتُوبُ اِلَيْهِ» چون در دامن ربّ ماه رجب خود را قرار داده دیگر انسان واژه «رَبِّي» را نمی گوید، بلکه توجه و توبه اش به سوی «الله» است. حتماً متوجه اید «الله» مقام جمع اسماء الهی است، لذا با دستور دادن به انجام این ذکر می خواهند قلب متوجه «الله» باشد، همان طور وقتی که «رَبِّ» را در ذکر می آورند می خواهند قلب توجه اش به مقام ربوبیت حق

ماه رجب، ماه یگانه شدن با خدا، ص: ۱۷

باشد و لذا عرض ما این است که شکل این زکرها روی حساب است و همان طور که روایت آورده باید گفت و در ایجاد حالات قلبی مطابق آن ذکر کوشش کرد تا نتایج فوق العاده آن **إِنْ شَاءَ اللهُ نَصِيبٌ شِمَا شُود.**

باز در رابطه با استغفار ماه رجب می فرمایند: ۱۰۰ مرتبه یا ۴۰۰ مرتبه در این ماه بگویید: «اسْتَغْفِرُاللهَ الَّذِي لا اِلهَ اِلاَّ هُوَ، وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ وَ اتُوبُ اِلَيْهِ»، یعنی از خدایی که جز او الهی

^۲ (۱) ۲- اقبال الاعمال ج ۳ ص ۸۰. انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی

نیست و یگانه و بی شریک است، طلب غفران و آمرزش می نماید و به سوی او جهت قلبم را قرار داده ام. که در این استغفار؛ «الله» را برای قلب خود ترسیم می کنی و یگانگی محض او را برای خود تفهیم می کنی و سپس «وَأَتُوبُ إِلَيْهِ» را می گویی، یعنی من از حضرت «الله» که جامع جمیع اسماء الهی است، می خواهم که مرا ببخشد، آن اللّٰهی که قطب قلب من است و جز او نمی شود کسی اله و معبود جان من باشد و من به سوی چنین خدای یگانه ای که تمام مقصد قلبم هست، آمدم. عجیب است اگر کمی به قلب خود عادت دهیم که این ذکر را با حضور بگو، می بینید حال و

ماه رجب، ماه یگانه شدن با خدا، ص: ۱۸

هوایش عوض شد. روی «وَأَتُوبُ إِلَيْهِ» با حضور قلب تأکید کنید و متوجه باشید دارید می گویند: به سوی او آمدم. خوشا به حالتان با چنین کلماتی و چنین تصمیمی!

باز می فرماید بسیار بگو: «اسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ اسْأَلُهُ التَّوْبَةَ»؛ یعنی خدایا غفران و بخشش تو را طلب می کنم و تقاضا می کنم که توبه مرا بپذیری و به من نظر کنی. اولاً؛ می گویی: از الله یعنی از حضرت جامع همه خوبی ها می خواهم مرا در بر بگیرد مثل دربرگرفتن کالایی که شما گرد و خاکش را پاک می کنید و وارد خانه تان می کنید - ثانیاً؛ می گویی: از او که فرمود: من دوست دارم بنده ام دستور دهد تا آن را عمل کنم، تقاضا می کنم به من توجه فرماید، به من محل بگذارد. خوشا به حالتان با چنین کلمات و چنین تصمیمی!

خرمن سوختگان راهمه گو بادبیر

روی بنما و وجود خودم از یادبیر

چون خودش در این روایت می فرماید: در این ماه «غَافِرٌ مِّنِ اسْتِغْفَرْنِي»؛ بخشنده کسی هستم که توبه کند و بخواهد وارد یک حیات معنوی شود، آن هم حیاتی معنوی ای بدون

ماه رجب، ماه یگانه شدن با خدا، ص: ۱۹

هرگونه کدورتی از گناه و غفلت، پس باید با استغفار امید چنین حیاتی را داشت.

ماهی که همه چیز خدایی است

ادامه روایت هست که خدا می فرماید: «الشَّهْرُ شَهْرِي» ماه، ماه من است. چه قدر آدم دلش گرم می شود که کجا آمده است و با چه شرایطی روبه رو است. با زمانی روبه رو است که خداوند آن را به خودش نسبت داده. می فرماید: «وَالْعَبْدُ عَبْدِي» بنده هم بنده من است. وقتی می فرماید: ماه، ماه من و بنده هم بنده من است، یعنی جا دارد که روح بنده با این ماه متحد شود تا با صاحب این ماه ارتباط یابد. به ما خبر می دهد شرایط و مقامی است که من در این ماه بنده ام را برای خودم خالص می کنم. من و شما را در این ماه به عنوان بنده خودش می نگرد و آلودگی ها و عصیان هایمان را نمی نگرد. زمینه یگانه شدن بنده با خدا در این ماه فراهم است، این ماه عجیب است.

ماه رجب، ماه یگانه شدن با خدا، ص: ۲۰

شرایط یگانه شدن با خدا

این ماه در میان شیعیان آن قدر که لازم است و حق این ماه عزیز است مورد توجه قرار نگرفته است. اهل سنت عظمت ماه رجب را خوب متوجه هستند، هر چند با حالتی صوری و قالبی به آن نظر دارند، ولی به واقع

پیامبر (صلی الله علیه وآله) عنایت خاصی به این ماه داشتند. می فرماید: این ماه، ماه من است. حال ببینید ماه خدا بودن، یعنی این که در آغوش این ماه به راحتی می توانیم برای خدا یگانه شویم، مثل این که در مورد مگه می فرماید: «بَيْتِي»؛ یعنی خانه من؛ و شما ملاحظه کرده اید که در کنار خانه او چه رازها در راستای یگانه شدن برای انسان گشوده می شود. یگانه شدن یک مبنای نظری و فکری دارد و یک مبنای عملی. هم باید بینش و قلب انسان در این ماه با خدا یگانه شود، این با «استغفار» و ذکر «لا اله الا الله» که هر دو هم از انکار این ماه است، محقق می شود. و هم یگانه شدن، عملی

ماه رجب، ماه یگانه شدن با خدا، ص: ۲۱

باید باشد که آن هم به کمک «روزه» محقق می شود. روزه یگانه شدن برای خداست. حال ببینیم مزه هایش چیست؟^۲

در ادامه روایت می فرماید: «وَالرَّحْمَةُ رَحْمَتِي» یعنی رحمت در این ماه، همه رحمت است، آن هم رحمت من است، بدون حجاب واسطه ها، یعنی در این ماه خودم به اسم رحمان به صحنه می آیم تا شما با من ملاقات کنید و رحمت را به واسطه ها نسبت ندهید و توجه شما به واسطه ها معطوف نشود. پس در این ماه رحمت فراوان است، آن هم رحمتی مستقیم از حضرت «الله» پس از طریق رحمت های فراوان این ماه، راه ارتباط با خود حضرت حق گشوده می شود، راه خاصی که رجبیون با خدا خواهند داشت.

«فَمَنْ دَعَانِي فِي هَذَا الشَّهْرِ اجِبْتُهُ» هرکس مرا در این ماه بخواند اجابتش می کنم و جوابش را می دهم. شاید بگویید خدایا ما همیشه و هروقت تو را بخوانیم اجابت می کنی.

ماه رجب، ماه یگانه شدن با خدا، ص: ۲۲

ولی معلوم است این دعوت خاص است که می فرماید: اگر مرا بخوانی، اجابت می کنم و یک اجابت و جواب گویی خاصی را همراه دارد، حجاب ها را مرتفع نموده و فاصله های زمانی را برداشته تا به راحتی آن اجابت خاصه نصیب ما شود.

ماه رجب، ماه امنیت از غضب الهی

آیت الله ملکی «رحمة الله عليه» در کتاب المراقبات در رابطه با ماه رجب به عنوان یکی از ماه های حرام می فرمایند: در ماه های حرام خداوند آنچنان غضبش فروکش می کند که حتی بر دشمنان هم آن غضب فروکش می کند، لذا در ماه حرام اگر دشمنان، یعنی دشمن اسلام هم به شما حمله نکند، در این ماه باید ترک مخاصمه کرد. دشمن اسلام اگر حمله نکند، یعنی اگر جهاد دفاعی نباشد باید ترک مخاصمه کرد، یعنی غضب خدا در این ماه این طوری است. مگر غضب خدا بر دشمنان خدا جاری نیست؟ ولی این ماه این قدر عجیب

^۲ (۱) - برای روشن شدن معنی مزه روزه، به کتاب «روزه، درجه ای به عالم معنا» رجوع فرمایید.

است که خداوند می فرماید: باید به دشمنان خدا هم امنیت بدهید. این یعنی چه؟ یعنی شرایط غیبی این ماه ما را در شرایطی قرار می دهد که عامل فاصله گرفتن و

ماه رجب، ماه یگانه شدن با خدا، ص: ۲۳

دور افتادن ما از مقام غیبی عالم ملکوت که همان غضب خداست، در این ماه در صحنه نیست و لذا در چنین شرایطی زمینه ارتباط ما با خدا شدیداً فراهم است. به همین جهت است که می فرماید: هر کس مرا بخواند استجابت می کنم. این یک نوع استجابت خاص است. یعنی تو در این ماه در هر شرایطی از گناه هستی، اگر آمدی، هرچه بگویی به سرعت اجابت می شود. در شرایط دیگر این طور نیست.

بالاترین تقاضا

در ادامه می فرمایند: «وَمَنْ سَأَلَنِي اعْطَيْتُهُ وَمَنْ اسْتَهْدَانِي هَدَيْتُهُ» حرف دهن ما گذاشته است. می فرمایند: ای بنده من!

اگر از من چیزی بخواهی به تو می دهم، پس چرا نمی خواهی؟ و اگر از من طلب هدایت و راه جویی کنی، تو را هدایت می کنم، راه و چاه را به تو نشان می دهم. بله حرف یاد ما دادند که ما در این ماه از خدا بخواهیم که خدایا ما را هدایت کن. ما انوار غیبی تو را رها کنیم، کجا برویم؟ و دعاهایی که ائمه (صلوات الله علیهم) در این ماه دارند در همین راستاست، که ما را به سوی خود راهنمایی کن و خودت را

ماه رجب، ماه یگانه شدن با خدا، ص: ۲۴

به ما بفهمان که جز تو مقصدی نیست که ما قلبمان را به سوی او جهت دهیم، خلاصه متوجه شویم: «نیست در شهر نگاری که دل ما ببرد»؛ اگر کسی معنی هدایت را بشناسد، و بفهمد یعنی چه، خداوند ما را در این ماه به «هدایت» مژده داده است، با تمام وجود برای به دست آوردن آن می کوشد که گفت:

دلا! ز نور هدایت گر آگهی یابی

چو شمع خنده زنان، ترک سر توانی
کرد

نگاه دار سررشته تا نگه دارد

«وَجَعَلْتُ هَذَا الشَّهْرَ حَبْلًا بَيْنِي وَ بَيْنَ عِبَادِي» این ماه را چون یک ریسمان قرار دادم بین خود و بندگانم. پس ماه رجب به عنوان یک شرایط استثنایی است تا انسان از آن استفاده کند و بالا برود، مثل یک طناب که یک سر آن در دست خدا است و یک سر آن را رها کرده تا ما بگیریم و بالا رویم، با اعمال و آداب مخصوص این ماه می توان سرطناب را برای بالا رفتن گرفت. عمده آن است که متوجه شویم این ماه یک رشته ای است بین ما و خدا، انسان عاقل به چنین طنابی محکم چنگ می زند. چراکه گفت:

ماه رجب، ماه یگانه شدن با خدا، ص: ۲۵

مراتاجان بود درتن، بکوشم

مگرازجام او یک جرعه نوشم

چون فرصت استثنایی است، پس:

گرت هوالست که معشوق

نگاه دار سررشته، تانگه دارد

نگسلد پیوند

«فَمَنْ اعْتَصَمَ بِهِ وَصَلَ إِلَيَّ» کسی که به ریسمان ماه رجب چنگ بزند به من وصل می شود. عرض کردیم چنگ زدن به آن هم مشخص است، یعنی آداب ماه رجب را قلباً و عملاً رعایت

کند، چون درِ میکده وصل به حق را گشوده اند و آن‌هایی که چنین گشودگی را احساس می‌کنند، ندا سر می‌دهند:

وین سوخته را بر دِراو روی نیاز
است

الْمِنَّةُ لِلَّهِ كَمَا فِي مِثْقَلِ ذَرَّةٍ

وآن می که در آنجاست، حقیقت نه
مجاز است

خُم هاهمه در جوش و خروش اند،
زمستی

کوته نتوان کرد که این قصه

شرح شکن زلف خَم اندر خَم جانان

تا دیده من بر رُخ زیبای تو باز است

دراز است بردوخته ام دیده چو باز
از همه عالم

ماه رجب، ماه یگانه شدن با خدا، ص: ۲۶

چون ماه رجب، ماهی است که حجاب هم مرتفع می‌شود و انسان در قلب خود احساس می‌کند با خدا در ارتباط است و در نتیجه دیده از همه دنیا باز می‌گیرد و به همه چیز پشت پا می‌زند، موقع درد دل کردن با محبوب واقعی برایش سر می‌رسد، که گفت:

با دوست بگویم که او محرم راز
است

رازِی که بِرِ خَلْقِ نَهْفَتِیْمِ وَ نَکَفَتِیْمِ

در این حالت گویا همواره در حال راز و نیاز با حق است که:

از قبله ابروی تو در عین نماز است

در کعبه کوی تو هر آن کس که

در آید

از شمع بپرسید که در سوز و گداز
است

ای مجلسیان! سوزِ دل حافظ مسکین

چون فرمود: هر کس به ریسمان من یعنی ماه رجب - چنگ بزند به من وصل خواهد شد و
قصه وصل، قصه ای است پرسوز و گداز:

از شمع بپرسید که در سوز و گداز
است

ای مجلسیان! سوزِ دل حافظ مسکین

ماه رجب، ماه یگانه شدن با خدا، ص: ۲۷

کشف رجب در خود

ما دوباره به آن نکته قبل در این جا باید مجدداً تأکید کنیم، این که در قیامت می فرماید:
«إِنَّ الرَّجَبِيَّوْنَ»؛ این یک نکته دقیقی است و خبر از یک حقیقت بزرگی می دهد. می دانید که
در قیامت داریم: «يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ» (قمر / ۶)؛ یعنی روزی که دعوت کننده ای دعوت می کند و
می خواند. که این خواندن و دعوت کردن منطبق است بر بنیاد روح انسان ها، و یک
خواندن اعتباری نیست. یعنی همین طور که جهنم، جهنمیان را می خواند و جذب می کند،
بهشت هم بهشتیان را جذب می کند. در همین راستا و با توجه به چنین شرایطی «رجبیون»
افرادی هستند با مقامی خاص، یعنی یک مقامی که در بعضی انسان ها به جهت استفاده
کردن از ماه رجب محقق می شود و در عالم قیامت، آن مقام ظاهر می گردد، آن وقت این

افراد در آن عالم شاخص هستند، یعنی یک نوع بزرگی و آبرومندی برای آن ها در قیامت هست. به همین جهت می خواهیم عرض کنیم «رجب» یک مقام تکوینی

ماه رجب، ماه یگانه شدن با خدا، ص: ۲۸

است که هرکس می تواند در درون خودش به نحوی آن را احیاء و کشف کند. اگر احیاء شد آن وقت می بینید مقامی است که اگر طبق روایت، یک روز از آن را روزه بگیرید، موجب «دفع جهنم» است، روزه دوم آن موجب «ایجاد صراط» است. یعنی چه که از صراط می گذریم؟ یعنی جاژه ای به سوی بهشت برایمان کشیده می شود. «صراط» جاژه به سوی بهشت است و لذا روزه دوم ماه رجب موجب پدید آمدن صراطی است که آن صراط به سوی بهشت است. یعنی انسان با دومین روزه ماه رجب، قلب خود را به سوی بهشت جهت می دهد، و دیگر قلب او در توجه به عالم معناست و در این دنیا سرگردان نیست، او انسان جهت دار شده است. روزه سوم آن «ایجاد بهشت» است، یعنی وصل به بهشت. این ماه دارای چنین مقامی

ماه رجب، ماه یگانه شدن با خدا، ص: ۲۹

است که خداوند این شاءالله توفیقات بهره مندی از آن را برایمان مرحمت کند.

خلقی زبان به دعوی عشقش گشاده
ای من غلام آن که دلش با زبان یکی
اند
است

^۴ (۱) - قَالَ مُوسَىٰ بَنِي جَعْتَرَ (عليه السلام):

«رَجَبٌ شَهْرٌ عَظِيمٌ، يَطَاعُهُ اللَّهُ فِيهِ الْحَسَنَاتُ، وَ يَمْحُو فِيهِ السَّيِّئَاتُ، مِنْ طَمَؤٍ يَوْمًا مِنْ رَجَبٍ تَبَاهُتَتْ مِنْهُ النَّارُ مَسِيرَةَ سَنَةٍ، وَمَنْ طَمَؤٌ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَحَبِطَ لَهُ الْجَنَّةُ» E\

(إقبال الأعمال ج ۳ ص ۹۱): یعنی «رجب، ماه عظیمی است که خداوند نیکی ها را در آن چند برابر و بدی ها را محرومی نماید. هر کسی یک روز از ماه رجب را روزه بخورد، آتش جهنم به باطنه یک سال از او دور می شود و هر کسی سه روز از آن را روزه دارد، بهشت برای او واجب می شود». همچنین که در روایت دیگری از رسول خدا (ص) داریم: «هر کسی کل ماه رجب را روزه دارد، خداوند رضایت خود را برای او ثبت می کند و کسی که رضایت خداوند برای او ثبت شد، مورد عذاب قرار نمی گیرد». (مصباح المتحجج ج ۲ ص ۷۹۷)

اتصال به بهشت

خود این ماه، ماه رحمت بزرگ خداست که در دعا‌های آن این نکته مورد توجه هست. پس تأکید ما یکی این است که کاری کنیم این ماه را که در درون ذات هرکس نهفته است به نام مقام رجبیت، با اعمال این ماه کشف کنیم، اگر کشف شد خودش جلوه ای از بهشت است، یک نحوه وصل به بهشت است.

ماه رجب، ماه یگانه شدن با خدا، ص: ۳۰

شیر؛ صورت علم توحیدی مخصوص رجبیون

روایتی که مرحوم شیخ عباس قمی (رحمة الله علیه) در مفاتیح الجنان آورده، اگر عنایت بفرمایید روایت عجیبی است. از امام ابی الحسن موسی (علیه السلام) می فرمایند که: «رجب نام نهري است در بهشت، از شیر سفیدتر و از عسل شیرین تر، هر که یک روز رجب را روزه دارد البته از آن نهر بیاشامد»^۵ پس اولاً؛ رجب یک نهر است، یعنی مقام است. چون می دانید که آب و درخت در بهشت عبارت است از «مِمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ»؛ یعنی عبارت اند از آنچه شما عمل کردید، یعنی آنچه شما در این دنیا عمل می کنید دو وجه دارد. هرکس هرکاری بکند یک وجه آن «فکر» است و یک وجه آن «حرکت و عمل» است. شما که به لطف خدا نیت روزه ماه رجب را می کنید، این نیت یک فکر است، فکر این که خدایا می خواهم رجبی شوم، این نیت است. و وجه دیگر عملی است که انجام می دهید و آن ترک شهوات مثل

ماه رجب، ماه یگانه شدن با خدا، ص: ۳۱

غذا خوردن و غیره است. در قیامت درخت و نهرهای زیر آن صورت عقاید و اعمال این دنیایی ما است، و حتماً ملاحظه کرده اید در مورد انسان حتی ترک یک کار هم خودش،

^۵ (۱) «رَجَبٌ نَهْرٌ فِي الْجَنَّةِ أَشَدُّ بَيَاضاً مِنَ اللَّبَنِ، وَأَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ، مَنْ طَوَّقَ بِهِمَا مِنْ رَجَبٍ سَهَّاءُ اللَّهِ مِنْ ذَلِكَ النَّهْرِ» (انفصال الاعمال ج ۲ ص ۱۹۱)؛

کار به حساب می آید، چون اراده می کند که آن کار را نکند و این اراده برای ترک آن کار، خودش یک اراده است و در نفس انسان یک عمل به حساب می آید و در قیامت صورت مخصوص به خود را پدید می آورد. شما اگر به خانه عمویتان نروید، در خارج کاری نکرده اید، ولی در درون اراده به نرفتن را انجام داده اید. پس هر کاری یک وجه عقیدتی و فکری، و یک وجه عملی دارد. بزرگان می فرمایند: که این «عمل» و «عقیده» است که در قیامت ظهور می کند. شراب طهور را در ازای چه چیزی به اهل البیت دادند که فرمود: «سَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَاباً طَهُوراً» (انسان / ۲۱) چون سه روز روزه گرفتند و افطاری شان را هم به نیازمندان دادند، و این شراب طهوری که نصیب این ذوات مقدّسه شد، خیلی مقام است. چون می فرماید: پروردگارشان به آن ها نوشاند «رَبُّهُمْ». اگر یک ملکی به ما

ماه رجب، ماه یگانه شدن با خدا، ص: ۳۲

یک ذره از آن شراب معنوی بدهد، از شعفِ آن حالتِ معنوی ۶۰ سال فریاد می کشیم، حالا اگر پروردگار آن را به کسی بنوشاند، ببین چه می شود.

می فرماید: «سَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَاباً طَهُوراً»، مگر چه کار کردند؟ با یک «عقیده توحیدی» بسیار عمیق یک «عمل توحیدی» انجام دادند که از نیاز و میل خود برای خدا گذشتند، ظهور آن عقیده و عمل در بهشت چنین شد که فرمود: «سَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَاباً طَهُوراً»، چون بهشت ظهور عقیده و عمل است، برای همین هم در و دیوار بهشت حرف می زنند. چون جان انسان آن جا ظاهر است. بهشت و جهنّمش - هر دو - «تَطَّلِعُ عَلَى الْآفِئِدَةِ» است، یعنی از قلب ما به بیرون ظهور می کند و لذا جنس حیات است، مثل حالات قلبی؛ در آیه ۶۵ سوره عنکبوت هم فرمود: «انَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ»؛ یعنی نظام عالم آخرت سراسر حیات است، یعنی جنس حیات انسان است.^۶

ماه رجب، ماه یگانه شدن با خدا، ص: ۳۳

^۶ (۱) - برای بیگیری این نکته می توانید به تفسیر سوره «یس» از همین نویسنده رجوع فرمایید.

پس اوّل یادتان باشد که بهشت چیست؟ بهشت ظهور «عقاید» و «اعمال» و «اخلاق» ماست و به جان ما بسته است. یعنی بهشت از ما جدا نیست. آری؛ به عنوان یک واقعیت در بیرون هست، اما به جان ما بسته است. حالا در

این بهشت یک نهری است که می فرماید: از غسل شیرین تر است و از شیر سفیدتر است، این نهر اسمش «رجب» است. پس اوّل؛ کسی که رجبی شد، وصل به این نهر می شود. این نهر در کجاست؟ در بهشت. پس کسی که رجبی شد، وصل به بهشت می شود. ثانیاً؛ این اتّصال بعد از مردن ما هست یا همین حالا؟ امام رضا (علیه السلام) می فرمایند: هرکس بگوید بهشت بعد است، از ما نیست.^۷ پس این بهشت همین حالا هست. یعنی إنّ شاء الله همین امروز که تصمیم گرفتیم در این ماه، رجبی شویم، وارد بهشت شدیم، خدا می داند که همین حالا وارد بهشت شدیم.

آیت الله جوادی آملی (حفظه الله تعالی) بحثی داشتند از کلام امام معصوم حضرت رضا (علیه السلام) فرمودند: همین حالا وصل به

ماه رجب، ماه یگانه شدن با خدا، ص: ۳۴

بهشت می شویم و همین حالا از بهشت خارج می شویم بستگی به اعمال ما دارد، چون حضرت رضا (علیه السلام) اشاره می فرمایند به آیات ۴۳ و ۴۴ سوره عنکبوت که می فرماید: این است جهنمی که گناهکاران انکار می کنند و هم اکنون گناهکاران بین آن جهنم و آب جوشان در حال طواف اند.^۸

پس اوّل؛ ما در ماه رجب وارد بهشت می شویم، الاّ این که عدّه ای نسبت به آن در کمال غفلت به سر ببرند که این ها، وارد رجب نمی شوند، بلکه مثل بقیه زمان های روزگار، وارد یک زمان می شوند ولی اگر ما در عین توجّه و انتظار و استقبال وارد رجب شویم، وارد

^۷ (۱) - رجوع کنید به «توحید صدور» باب ما جاء بهی الرّویة، حدیث ۲۱

^۸ (۱) - همان.

یک مقام خاص از بهشت می شویم، که آن مقام به تعبیر روایت از عسل شیرین تر و از شیر سفیدتر است و آن هم روی حساب است. بزرگان اهل معرفت یک دقت هایی روی این عسل و شیر کرده اند که این ها دو حال و مقام است برای انسان و نه دو نوع غذا.

ماه رجب، ماه یگانه شدن با خدا، ص: ۳۵

یکی از مفسرین می گوید: پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) به طور کلی هر غذایی که می خوردند، می گفتند: الحمدلله. ولی وقتی شیر می خوردند می فرمودند که خدایا زیادش کن. بعد می گوید از طرفی مطابق آیه قرآن، پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) مأمور هستند که بگویند: خدایا علم مرا زیاد کن، «قُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا»؛ (طه / ۱۱۴) پس باید این شیر، در عالم معنا همان مقام علم باشد، یعنی ظهورش در نفس انسان، علم است. مگر علم، جان را تغذیه نمی کند؟ بهترین غذا برای جان مادّی، شیر

است. و برای جان غیبی، علم است و این دو با همدیگر یک رابطه ای دارند.

«محمّد الدین عربی» در کتاب فصوص الحکم می گوید: ابی خالد، در خواب دید که شیر خورده است. شب آمد خدمت یکی از عرفاء و خوابش را گفت. آن عارف می گوید: این خواب دو حالت و دو مقام دارد. در این که این رؤیای صادق است شکی نیست، حال بگو آیا تو دیشب که خواب دیدی شیر می خوری، آیا به واقع شیری وارد معده ات شده؟ گفت: نه! به او گفت: ولی اگر استفراغ کنی، شیر استفراغ

ماه رجب، ماه یگانه شدن با خدا، ص: ۳۶

می کنی. این یک وجه از تعبیر خوابت، اگر خواستی بر اساس موطن دنیا تعبیر شود، ولی اگر بخواهی بپذیری، شیر یعنی علم، تعبیر خوابت این است که به تو علم می دهند. چون شیر در مقام غیب، علم است، در مقام عالم ماده شیر است. ایشان می گوید: وسوسه شدم من که شیرنخورده ام، پس مگر می شود کسی شیر نخورد، ولی خواب شیر خوردن ببیند

و بعد شیر خورده باشد و در معده اش شیر باشد؟ خودم را وادار به تهوع کردم، دیدم شیر بیرون آوردم، چیز پیچیده ای نیست. در روایات هم داریم که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به عایشه فرمودند: که برو

روزه ات را افطار کن - ظاهراً روزه مستحبی بوده - عایشه گفت: چرا؟! فرمودند: چون خودت خودت با غیبتی که کردی، روزه ات را افطار کردی و گوشت خوردی. گفت کی من غذا خوردم؟ در حالی که گوشت خوردن او، همان غیبتی بود که کرده بود، بعد خودش از لای دندان هایش متوجه وجود گوشت خام شد، یعنی عمل غیبی باطنی غیبت، صورتِ ظاهری حسّی گوشت خوردن به خود گرفت.

ماه رجب، ماه یگانه شدن با خدا، ص: ۳۷

مقام شیر در نهر رجب را اهل معرفت می فرمایند که در بهشت مقام «علم توحیدی» است. اگر شما ماه رجب را حفظ کنید، ان شاء الله معرفت توحیدی نصیبتان می شود. آن وقت آن علم توحیدی ماه رجب، علمی است که به راحتی به دست نمی آید، کسی که رجبی شد یک معرفت خاصی پیدا می کند که ظهورش همان شیر بودن آن نهر است که از قلب او ظهور کرده است، و از شیر سفیدتر بودنش هم به جهت پاک بودن از هرگونه شرک و آلودگی روحی است.

عسل؛ صورتِ شور معنوی رجبیون

و نیز می فرمایند: آن نهر از عسل هم شیرین تر است، چون عسل، حرکت و گرما و تحرک می آورد؛ یعنی آن عسل، اراده های توحیدی و همّت عمل توحیدی آدم را زیاد

می کند. ببینید که منظورشان چیست؟ شما گاهی دلتان می خواهد که با یک شور و حرارتی بلند شوید و نماز شب بخوانید، ولی خواب نمی گذارد. این اراده نماز شب خواندن و راحت و با شور و حرارت و عشق جلو رفتن به اصطلاح علماء اخلاق مربوط به عقل عملی است و این غیر از عقل نظری است که پذیرفته است نماز شب خیلی برکات دارد،

ماه رجب، ماه یگانه شدن با خدا، ص: ۲۸

این شور و شیدایی در عبادات، ریشه اش همان غسلِ بهشتی مربوط به نهر ماه رجب است. پس حرارت انجام اعمال الهی را رجب به آدم می دهد و رجبیون، هم به معرفت خاص و هم به حرارت خاص در فهم دین و عمل به دین دست می یابند. با توجه به این مبنا غفلت نکنید که همین حالا با وارد شدن در ماه رجب و استقبال کردن از آن انشاء الله ارتباط با آن شیر و عسل شروع می شود.

ماه ولایی شدن برای ملاقات با حق

آن روایت را در کتاب «المراقبات» داشته باشید که می فرماید: «ماه رجب ماه خدا است، ماه شعبان ماه پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) است و ماه رمضان، ماه امت رسول الله (صلوات الله علیه وآله) است». یعنی با شروع ماه رجب که ماه خداست، نیت سلوک شروع می شود، بنابراین از خدا شروع

می شود و پس از انس با پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) در ماه شعبان و رعایت اعمال مخصوص ماه شعبان، به یک خودیابی در ماه رمضان می رسیم، و بدین معناست که ماه رمضان، ماه امت است. این روایت

ماه رجب، ماه یگانه شدن با خدا، ص: ۲۹

را با آن روایت جمع کنید که امیرالمؤمنین «علیه السلام» می فرماید: «شَهْرُ رَمَضَانَ، شَهْرُ اللَّهِ وَ شَعْبَانَ شَهْرُ رَسُولِ اللَّهِ وَ رَجَبٌ شَهْرِي»^۹ یعنی؛ ماه رمضان ماه خداست و ماه شعبان ماه رسول الله «صلوات الله علیه وآله» و ماه رجب ماه من است. پس طبق این روایت، به یک اعتبار ماه رجب، ماه یگانگی با خداست، از طریق ارتباط با خود خدا، و به یک اعتبار، ارتباط با خدا بدون اتصال به ولایت ممکن نیست و لذا ماه رجب، ماه امیرالمؤمنین (علیه السلام)، یعنی صاحب ولایت است، پس ماه رجب ماه امیرالمؤمنین (علیه السلام) یعنی ماه

^۹ (۱) - وسائل الشیعه ج ۲ ص ۴۹۲

ولایت است. «ولایت» یعنی زدودن جنبه های غیر الهی از دل و رسیدن به یک به خود آمدن ناب. دلی که ولایی شد این دل غیر حق را نمی خواهد، آن وقت این دل به عشق به نبی - که مظهر نمایش صفات حق است - می رسد و برایش طلب نزدیکی به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در ماه شعبان پیدا

می شود و تقاضای وارد شدن در سلوک و سنت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در جانش شعله می کشد و در دعای روزهای ماه شعبان می گوید: «اللَّهُمَّ فَاعِنَّا عَلَى الْأَسْتِنَانِ بِسُنَّتِهِ»

ماه رجب، ماه یگانه شدن با خدا، ص: ۴۰

فیه ...»^۱ یعنی خدایا! مرا یاری فرما تا به روش و سنت پیامبرت نزدیک شوم و بدان عمل نمایم. و حالا در منظر نگاه به وجود مقدس پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در ماه شعبان، در مقابل خود و در افق جانت ماه رمضان را مشاهده می نمایی و در این حالت ماه رمضان شهر الله، و ماه ملاقات با خدا می شود. این دو روایت می گوید: خودت را برای خدا در ماه رجب خالص کن، تا بتوانی ولایت و نبوت را بفهمی و از خدا شروع کن - در ماه رجب - و به خدا ختم کن - در ماه رمضان -.

پس با ماه رجب و روزه و استغفار در این ماه یک خلوص اولیّه و خود را برای خدا آماده کردن داریم. آدم روزه که بگیرد و این شاء الله دعاهای ماه رجب را هم بخواند و در آن ها دقت و تدبّر کند، توجه به حق در او زنده می گردد. به قول بزرگان می گویند: دعاهای ماه رجب

عجیب است این قدر عجیب است که عده ای از بزرگان می فرمایند: بعضی از این دعاها در ماه رمضان هم پیدا

^۱ (۱) - مهتاب الجنان، اعمال مشترکه ماه شعبان، طلوانه مرویه از امام سجّاد (علیه السلام).

ماه رجب، ماه یگانه شدن با خدا، ص: ۴۱

نمی شود و انصافاً هم از جهت توحید و ولایت یک مراتب خاصی در دعاهای ماه رجب هست، خدا توفیق مان بدهد که هم این دعاها را از اهلش درس بگیریم و هم به کمک آن ادعیه با خدا مناجات کنیم. بعد که توجه به حق از این طریق در انسان زنده شد، ارتباط بیشتر با خدا در او شعله می کشد، می یابد که باید برای ارتباط حقیقی با حق، دست به دامن صاحب ولایت، یعنی امیر المؤمنین (علیه السلام)، بزند، این جاست که می بیند عجب، پس ماه رجب، ماه امیر المؤمنین (علیه السلام)، است و به اذن آن حضرت می تواند حق ماه رجب را اداء کند. در مستی ارتباط با حق از طریق نور ولایت امیر المؤمنین (علیه السلام)، دل با ماه شعبان روبه رو می گردد و می بیند مخزن اصلی، وجود مقدس صاحب ماه شعبان، یعنی محمد مصطفی (صلی الله علیه وآله وسلم) است. در عطش ارتباط با خدا، با پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) روبه رو می شود، آرام آرام این عطش شعله ور می شود و درست در دل ماه رمضان از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) سراغ خدا را می گیرد و هم خدا به پیامبرش ندا می دهد: «إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي، عَنِّي فَاتِّبِ

ماه رجب، ماه یگانه شدن با خدا، ص: ۴۲

قَرِيبٌ اجِيبْ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ ...»^{۱۱}؛ یعنی ای پیامبر! اگر بندگان من از تو سراغ مرا گرفتند، من خودم به آن ها نزدیکم و جواب آن ها را می دهم. بدون آن که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) را خداوند در این شرایط واسطه قرار دهد.^{۱۲}

راه به دست آوردن توفیق انجام اعمال این ماه

^{۱۱} (۱) ۱۱- ۱۸۶ / بهره

^{۱۲} (۲) ۱۱- برای بررسی بیشتر این موضوع به نوشتار «رمضان. در پیچه رؤیت» رجوع فرمایید.

اجازه بدهید تأکیدی عرض کنیم تا این شاءالله بتوانیم در این ماه نتیجه بهتری بگیریم. اول؛ ایجاد زمینه نورانیت فکری و قلبی است به کمک ادعیه و تأمل در محتوا و فرهنگ آن ها، که عامل و زمینه نورانیت بسیار خوبی برای قلب است، و حیف است که این دعاها را از دست بدهید، پس با یک برنامه ریزی سعی بفرمایید از ادعیه ماه رجب استفاده کنید. دوم؛ ایجاد زمینه همّت عملی است از طریق روزه. در این ماه بالأخره هر کس به جایی رسید، نهایت استفاده را از ماه رجب کرد و نهایت استفاده آن این است

ماه رجب، ماه یگانه شدن با خدا، ص: ۴۳

که تصمیم بگیرد این شاءالله همه ماه رجب را روزه باشد، کار مشکلی نیست، ولی برکات آن غیرقابل تصوّر است.

اعمالی ساده و برکاتی بزرگ

خدا رحمت کند مرحوم آیت الله ملکی تبریزی را، یک تذکری که در تمام کتاب المراقبات مرتّب تکرار و تأکید می کنند و به خصوص در اعمال ماه رجب و ماه رمضان، می گویند: شما ببینید مثلاً می گویند اگر این ده رکعت نماز را هر شب در ماه رجب بخوانید غیر ممکن است که وارد بهشت نشوید. حالا ممکن است یکی بگوید این ده رکعت که چیزی نیست. مگر می شود برای عملی در این حدّ ساده، چنین نتیجه ای بزرگ بدهند؟ ایشان می فرمایند: «اگر چیزی نیست، که چیزی هم نیست، پس چرا از بین این همه آدم که زیر پرچم اسلام هستند، عدّه بسیار قلیلی این عمل را انجام می دهند؟» پس معلوم است از جهت دیگری چیزی هست، وگرنه اکثر مسلمانان انجام می دادند. ایشان می فرماید: «خدا می خواهد بنده اش را امتحان کند ببیند اعتماد به حرف خدا دارد یا نه؟ اعتماد به حرف امام معصوم دارد یا نه؟»

ماه رجب، ماه یگانه شدن با خدا، ص: ۴۴

امام معصوم (علیه السلام) می فرماید: این کار را بکنید این نتایج را دارد، ولی از آن جایی که ما اعتماد نداریم. می گوییم مگر

می شود. آن وقت چون نمی دانیم که می شود یا نمی شود حرف را جدی نمی گیریم و همین موجب ضرر می شود. اما آن طرف قضیه را خودتان می دانید با اینکه به واقع آسان است، همه انسان ها توفیق انجام آن را ندارند، پس معلوم است از جهتی کار مشکلی است ولی اگر توفیق انجامش را به دست آوریم خود عمل، کار مشکلی نیست، چون که تمام دعاهای ماه رجب یک ساعت بیشتر طول نمی کشد. حال اگر انسان یک ساعت در هر روز ماه رجب خودش را برای ماه رجب فارغ کند بسیار نتیجه می گیرد، که به نظر می رسد ما خیلی بیشتر از این ها وقت هایمان را بدون استفاده می گذرانیم. پس آری چیزی نیست، ولی عمده همت ماست که بتوانیم توفیق عمل پیدا کنیم و اگر همین تذکر آیت الله ملکی «رحمة الله علیه» را به قلبمان تفهیم کنیم و به خدا و ائمه معصومین اعتماد نماییم، توفیق انجام اعمال و قرائت ادعیه فراهم می شود، بالأخره می خواهند با همین کارهای ساده ما را به درجات بالا برسانند.

ماه رجب، ماه یگانه شدن با خدا، ص: ۴۵

تأکید بیشتر ما روی این قضیه است که ماه رجب ماهی است که ما باید دنبال کشف یک کمالی باشیم که همه این اعمال و انکار، مقدمه آن کمال است و مرتب خودمان

را آماده و آماده تر کنیم تا آن کمال در ما پیدا شود که وقتی به طور کلی در قیامت ندا می کنند: «إِنَّ الرَّجَبِيَّوْنَ» این شاءالله ما جذب آن دعوت شویم.

سلوک بی سر و صدا

گاهی دوستان می پرسند انکاری که بتوانیم به کمک آنها اهل سیروسلوک شویم چیست؟ اصل قضیه را خودتان متوجه هستید بنده عرض می کنم تا این شاءالله با هم راه بیفتیم. ببینید ما دو نوع عارف داریم؛ یک نوع عارف پرآوازه که عموماً همه مردم آن ها را می شناسند و بنا به مصلحتی که نزد خدا محفوظ است، خداوند آن ها را به مردم شناسانده است؛ و یک نوع عارف بی سروصدا هم داریم، که بی سروصدا از عمق جان، نورانی شده

اند. عموماً بزرگانی که به حقایق وصل شدند سروصدا ندارند و شما هم باید بی سروصدا دنبال نورانی شدن جان خود باشید و

ماه رجب، ماه یگانه شدن با خدا، ص: ۴۶

این نکته را باید به خوبی برای خودتان حل کنید که شما بنا ندارید آواز سیر و سلوکتان به گوش احدی برسد. شما فکر می کنید کم آدم پیدا شده که بی سروصدا ماه رجبش را حفظ کرده است، ماه شعبان و ماه رمضان را حفظ کرده، پنج شنبه اول ماه و آخر ماه و چهارشنبه وسط ماهش را

روزه گرفته و بحمدالله به جاهایی رسیده، بدون آن که اصلاً کسی او را به عنوان اهل سیر و سلوک بشناسد، به طوری که حتی عرفای پرآوازه غبطه او را می خورند. این ها از چه طریقی به این درجات رسیده اند؟ از طریق همین ماه رجب و اعمال و انکار وارده. اصلاً بالاتر از برکاتی که در ماه رجب هست در زیر این آسمان برکت نیست. در ماه رمضان که روزه داری واجب است، پس اعمال مستحبی که شما بخواهید به آن دست پیدا کنید و از برکات آن بهره بگیرید، خدا می داند بالاتر از اعمال ماه رجب اعم از روزه و دعا و انکار آن، زیر این آسمان نیست. همان طور که به ما خبر داده اند در این ماه یک شعوری برای آدم پیش می آید، یک ملکاتی و فهمی گیر آدم می آید که دیگر گفتنی نیست، خوشا به حال رجبیون. ما شنیده ایم و امیدوار شده ایم. پس اعمال و ذکرهای

ماه رجب، ماه یگانه شدن با خدا، ص: ۴۷

ماه رجب دستورالعمل به جایی رسیدن است. این اعمال موجود در مفاتیح الجنان شیخ عباس قمی «رحمة الله علیه» در ماه رجب یک دستورالعمل سلوکی است که به کمک احادیث معصوم تدوین شده است. وقتی که به دوستان می گوئیم آقا به کمک دستورات مفاتیح ماه رجب و

شعبان و رمضان خود را حفظ و احیاء کنید، فکر می کنند که ما کار را دست کم گرفتیم.

فرمودند که: دیده شده از دهان شیخ عباس قمی «رحمة الله علیه» نور بیرون می آمد. یعنی این مفاتیح، نور است. ایشان شاگرد مرحوم آیت الله قاضی طباطبائی «رحمة الله علیه» بوده است. مرحوم قاضی طباطبائی یعنی استاد علامه طباطبائی «رحمة الله علیه» را جناب آقای حداد آن عارف بزرگ در وصفش می فرماید: من سیر کردم در باطن همه عرفای تاریخ، بالاتر از آیت الله قاضی «رحمة الله علیه» بعد از معصوم ندیدم. مرحوم شیخ عباس قمی شاگرد عرفانی مرحوم آیت الله قاضی طباطبائی بوده و مفاتیح را با چنین روح و روحیه ای تدوین کرده است. خودش اهل سیر و سلوک است، ولی نه سیر و سلوک

ماه رجب، ماه یگانه شدن با خدا، ص: ۴۸

باسروصدا که یک چیزهایی بگوید که ما بگوییم خوشا به حالش، نه، این ها بی سروصدا هستند، گفتنی نیست.

مرحوم راشد فرزند مرحوم ملاعباس تربتی در کتاب «فضیلت های فراموش شده» می گوید: «یک هفته قبل از فوت پدرم یک دفعه نوری حدود یک ساعت آمد در خانه ما که همه می دیدیم، پدرم می خواست در مقابل آن بلند شود نمی توانست، گریه کرد و گفت: «السَّلَامُ عَلَیْکَ یا زَیْنَبَ کُبْرَى!».

مرحوم راشد می فرماید: پیوسته پدرم همان طور که در بستر بیماری خوابیده بود، سر خود را به عنوان سلام تکان می داد و نور حدود یک ساعت حضورش ادامه داشت، همچنان پدرم گریه می کرد و به یک یک ائمه و پیامبر (صلوات الله علیه و آله) و فاطمه زهرا (علیهاالسلام) سلام می داد. جناب آقای راشد که این قضیه را نقل کرده آدم دیر باوری است و خودش هم می گوید من عموماً سعی می کردم این گونه موارد را باور نکنم تا این که خودم با چشم هایم دیدم. او می گوید: بعد از این قضیه، چند بار از پدرم پرسیدم این

ماه رجب، ماه یگانه شدن با خدا، ص: ۴۹

قضیه چه بود؟ ایشان در جواب من می گفتند: حسنعلی، این ها چشیدنی است و نه شنیدنی.

غرض از این عرایض این است که کسی مثل ملاعباس تربتی به جایی می رسد که در آخر عمر نور ائمه معصومین (سلام الله علیها) به سراغش می آیند ولی هیچ وقت ادعایی هم ندارد،^{۱۳} فقط با نمازهای طولانی و روزه های سالیانه به

این جا رسیده است. ماه رجب و دستورات آن این طوری آدم را به مقصد می رساند و تربیت می کند. عرفای شیعه بی سروصدا هستند و با ماه رجب هم به جاهایی که باید

ماه رجب، ماه یگانه شدن با خدا، ص: ۵۰

برسند، رسیدند. دنبال این و آن راه افتادن به هیچ دردی نمی خورد. بروید دنبال دستورات ائمه که در امثال مفاتیح الجنان هست. اعمال ماه رجب، روزه روز دوشنبه هر هفته یا چهارشنبه وسط ماه و پنج شنبه اول و آخر ماه، بی سروصدا، کار خودش را می کند. این شاءالله یک چیزهایی به دست می آورید که به کسی نمی توانید بگویید، کسی هم نمی تواند به شما بگوید، بیایید ما و شما امیدوار باشیم. بنا هم نیست به کسی بگویی الا اینکه مأمور باشید، آن کسی هم که مأمور است دست بقیه را بگیرد که مقامش، مقام ولایت و نبوت است و من و شما در این مقام ها نیستیم. اگر

زرنگ باشید از یک شواهدی اصل مطلب را می فهمید، همان کافی است. مرحوم آیت الله طالقانی «رحمة الله علیه» زرنگ بود. عصر روز بیست و یکم آبان سال ۱۳۵۷، امام خمینی «رحمة الله علیه» فرمودند: حکومت نظامی را بشکنید و بروید در خیابان ها، هرچه می خواهد بشود. مرحوم آیت الله طالقانی «رحمة الله علیه» جهان دیده است، سیاست می

^{۱۳} (۱) ۳۳- مرحوم شیخ عباس همی «ره» را دعوته می کنند که يك ماه رمضان را در مسجد گوهرشاد مشهد منبر رود. هنگامی که مرحوم ملاعباس تربتی خبردار می شوند تصمیم می گیرند جهت استناد از مواضع مرحوم شیخ عباس همی به مشهد بروند. روز اول خود را پشته ستون مسجد پنهان می کند که شیخ عباس همی «ره» او را نبینند. ناگهان چشم شیخ عباس همی «ره» به او می افتد. همان وسط منبر می گویند: مرحوم! شما آمده اید که استناد بپرید. کسی در این مجلس هست که بهتر از من این کار را می تواند انجام دهد. اجازه دهید همه ما این يك ماهه از او استناد کنیم و از منبر پایین می آیند و با اصرار، مرحوم تربتی را بالای منبر می نهند و تمام طول ماه رمضان پای منبر او می نشینند.

آیا این حرکات، نشانه سلوک حقیقی و وصول به حقایق عالم نیست؟

شناسد، می داند در موقع حکومت نظامی ریختن در خیابان ها یعنی چه؟ امام «رحمة الله علیه» می فرمایند: باید بریزید در خیابان. مرحوم طالقانی تلفنی به

ماه رجب، ماه یگانه شدن با خدا، ص: ۵۱

امام «رحمة الله علیه» می گویند: آقا خطرناک است، مردم را می کشند، و اصرار می کنند و می گویند: امام زمان (عجل الله تعالی) راضی نیستند. امام خمینی «رحمة الله علیه» می فرمایند: از کجا که دستور امام زمان (عجل الله تعالی) نباشد؟ آیت الله طالقانی «رحمة الله علیه» چون اهل فهم است، یک مرتبه مطلب را می گیرد و می گوید ببخشید. و تنها چیزی که امام «رحمة الله علیه» بعدها در باره آن صحبت نکردند همین بود و آیت الله طالقانی «رحمة الله علیه» هم همین قدرش را می توانستند بگویند. آیا آن که مردم در خیابان بریزند، دستور درستی بود یا نبود؟ یعنی اگر آن شب مردم به دستور امام «رحمة الله علیه» در خیابان نریخته بودند، مطمئن باشید هنوز انقلاب اسلامی محقق نشده بود. عرفای ما که ادعا

ندارند، بی سروصدا هستند. امام «رحمة الله علیه» در کتاب های «مصباح الهدایه» و یا «شرح دعای سحر» یک چیزهایی یواشکی فرموده اند که اهل نظر می گویند خیلی مراتب را باید طی کرده باشد، ولی بی سروصدا. تأکید ما همین باشد که دعاها و روزه و ذکرهای ماه رجب بصیرتی به انسان می دهد که آن بصیرت آن چنان است که فقط می توانید آن بصیرت را داشته باشید و با آن زندگی کنید، یعنی چشیدنی

ماه رجب، ماه یگانه شدن با خدا، ص: ۵۲

است و نه شنیدنی، إن شاء الله. به شرطی که از حالا، عزمتان این باشد که بنای سر و صدا نداشته باشید.

زیرکی بفروش و حیرانی بخر

تأکید بعدی هم باز روی ماه رجب است. ماه رجب قدرت آدم درست کردن دارد. ما چیزی نمی دانیم به شما بگوییم، فقط همین را بگوییم که: مرحوم آیت الله ملکی تبریزی «رحمة الله علیه»

علیه» در کتاب المراقبات می فرماید: «حتی به علماء پیشنهاد می کنم که این ماه، تحقیق علمی - یعنی حتی تحقیق در قرآن و روایت را - کم کنند و به عبادت بپردازند». چه کسی این را می گوید؟ کسی که هم مجتهد است و هم در عین حال شاگردِ ملاً حسینقلی همدانی است، حسّی غیب شناس دارد، غیب را می شناسد. می فرماید: من پیشنهاد

می کنم در این ماه تحقیق علمی، بحث و درس را کم کنید و به عبادت بپردازید. یعنی ادراک مقام رجب طبق دستوراتی که ائمه (علیهم السلام) به ما داده اند از طریق عبادت بیشتر ممکن است.

البته کسی که آن قدر علم ندارد که با این دعاها ارتباط و اتحاد پیدا کند اول باید برود و دعاها را بفهمد،

ماه رجب، ماه یگانه شدن با خدا، ص: ۵۳

حتی اگر نشد به راحتی مقصد آن ها را درک کند باید برود، آن ها را درس بگیرد. وقتی اظهاراتی را می کنی که در دعا هست، باید قلبت تصدیق کند، قلب که تصدیق کرد بعد این شاءالله راه می افتد. به همین جهت ما پیشنهادمان این بود که مباحث خودمان را در این سه ماه رجب و شعبان و رمضان تعطیل کنیم، به دوستان هم عرض کردیم، دین دانی بس است، دین داری اصل است. ممکن است حضورتان در این جلسات با انگیزه دین دانی باشد و ضرر کنید، نمی دانیم عزیزان با یک شور معنوی می آیند یا با یک کنجکاوی علمی؟ گفت:

زیرکی بفروش و حیرانی بخر

زیرکی ظن است و حیرانی نظ

یعنی کنجکاوی علمی بد نیست، ولی ما را به این نکته می رساند که احتمال وجود حقایق را می دهیم، چشم دلمان

را باز نمی کند تا به حقایق نظر کنیم. راه رسیدن به حقایق، راه حیرت است که با تزکیه و عبادت به دست می آید، همان حیرتی که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) از خدا تقاضا می کردند که

: «رَبِّ زِدْنِي تَحِيْرًا»،

خدایا! حیرت مرا بیفزای. از خدا

ماه رجب، ماه یگانه شدن با خدا، ص: ۵۴

بخواهید در این سه ماه رجب و شعبان و رمضان، فضای معنوی و سلوک روحانی در تمام رابطه مان حاکم باشد.

تعلیم بس است، تجرید!

آفت این جلسات علمی این است که آدم با خودش درگیر نیست، می آید ببیند که بقیه چه می گویند؟ این خوب نیست، گاهی آدم باید ببیند که خودش چه می گوید؟

یک هفته قبل از ماه رجب؛ خدمت آیت الله حسن زاده «حفظه الله»، بودیم دوستان عرض کردند که آقا چه دستوری برای ماه رجب می دهید؟ ایشان با یک تأکید و شدتی گفتند: «در ماه رجب بروید خودتان را ورق بزنید». عرض ما نیز همین است که باید یک جوری خودمان را ارزیابی کنیم. می گویند: «تعلیم بس است، تجرید» تجرید یعنی با خود بودن، تعلیم یعنی از غیر چیز یاد گرفتن. اگر من برای شما بگویم و شما حرف های مرا گوش کنید، پس کی به خودتان برگردید؟ آن تجرید، آن یگانه شدن با خود، کو؟!

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرمایند: «از وقتی که من از پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) شنیدم که روزه ماه رجب و شعبان چه

ماه رجب، ماه یگانه شدن با خدا، ص: ۵۵

نتایجی برای مؤمن دارد، دیگر هیچ وقت تا آخر عمرم روزه ماه رجب و شعبان را ترک نکردم». باید از خدا بخواهیم که هم توفیقش را بدهد و هم معرفتش را. و از خدا بخواهید که توفیقات کم نخواهیم، باید خود خدا همّت ما را بلند کند. سه روز روزه چرا؟ روزه همه ماه را می خواهیم. روزه همه ماه رجب را چرا؟ روزه ماه شعبان را هم می خواهیم. و روزه شش روز اول ماه شوال را هم می خواهیم، یک جوری باید کار، اساسی شود.

در ربایید این چنین نفحات را

در روایت داریم که پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند: «انَّ لِرَبِّكُمْ فِي أَيَّامِ دَهْرِكُمْ نَفَحَاتٍ إِلَّا فَتَعَرَّضُوا لَهَا»؛^{۱۴} یعنی در روزگار و گاه و بیگاه در زندگی تان نفحات و نسیم های معنوی برجانتان می وزد، آگاه باشید که خود را در معرض آنها قرار دهید. حال چگونه خودمان را در معرض نفحات ماه رجب قرار دهیم تا آن بصیرت و همّت و شور بندگی را پیدا کنیم؟ مسلّم همین دستورات ماه رجب را با اطمینان

ماه رجب، ماه یگانه شدن با خدا، ص: ۵۶

عمل کردن، مساوی است با در معرض نفحات و نسیم های ماه رجب قرار گرفتن. به گفته مولوی:

اندر این ایام می آرد سبق

گفت پیامبر (ص) که نَفَحَتْ هَی حَق

در ربایید این چنین نفحات را

گوش و هوش دارید این اوقات را

هرکه را می خواست جان بخشید و

نَفَحَ ای آمد شما را دید و رفت

رفت

حتما تجربه کرده اید. گاهی شده است که وقتی طرف را نگاه می کنید فکر می کنید او هیچ معرفتی از معارف الهی و هیچ توانی از توان های سلوکی را هم ندارد. اما خداوند برایتان روشن می کند که همه آن چیزهایی که ما آرزویش را داریم، او با همتش به دست آورده است، چون خود را در معرض نفات ماه رجب قرار داده و از برکات ماه رجب سرسری نگذشته است.

تا از این هم وانمانی خواجه! تاش

نفعه ای دیگر رسید آگاه باش

یعنی تلاش کن نفعه ماه رجب را لااقل در امسال از دست ندهی. می گوید: من به این گرفتاری ها و محرومیت افتادم، شما مواظب باشید محروم نشوید. مولوی در آخر دفتر دوم مثنوی در مورد موانع رسیدن آن نفات به قلبش

ماه رجب، ماه یگانه شدن با خدا، ص: ۵۷

و ظلماتی که در اثر لقمه و غذا پیش می آید درد و دلی دارد. می دانید که مولوی آن چنان نبوده است که خودش اراده کرده باشد تا شعر بگوید، بلکه به جهت ریاضت ها و آمادگی های روحی در یک جذبه معنوی وارد می شده و دیگر بی اختیار شعر، بلکه معانی و معارفی بزرگ را در قالب نظم می گفته و اطرافیانش به خصوص حسام الدین چلپی آن ها را می نوشته است. مولوی در دریدل خود می گوید: عجب! من یک لقمه اضافه خورده ام تمام روح خاک آلوده شده و در اثر آن لقمه، گویا خاری در روح فرورفته، می گوید:

آب تیره شد سرِ چه، بندکن

سخت خاک آمیز می آید سُخُن

یعنی دیگر نمی توانم در آن جذبه باشم و احوالات معنوی که به من می رسد را در قالب شعر بگویم:

دوش دیگر لُون این می داد دست

لقمه ای چندی درآمده به بست

به خاطر لقمه ای، این همه ظلمت و پریشان حالی! پس باید از کف پای لقمان وجودم آثار
این لقمه های اضافی را با روزه گرفتن درآورم.

ماه رجب، ماه یگانه شدن با خدا، ص: ۵۸

یعنی قبلاً حالات معنوی رنگارنگ و خوبی داشتم، چند لقمه اضافه خوردم، همه آن ها رفت.
لقمه کارش این است، گاهی یک لقمه اضافی در غیب را می بندد.

از کف لقمان برون آرید خار

از برای لقمه ای این خار خار

زانکه بس نان کور و بس نادیده ای

خاردان آن را که خرما دیده ای

چشم تاریک است، جولان چون کنی

پیش از این کین خارپای بیرون کنی

فعالیت بدون بصیرت نتیجه نمی دهد، اوّل باید با روزه داری چشم دل را از کوری نجات
داد و سپس راه افتاد.

وقت لقمان است ای لقمه برو

بهر لقمه گشت لقمانی گرو

پای جانش خسته خاری چراست

جان لقمان که گلستان خداست

همین طور است که لقمه اضافی پای جان انسان را خسته می کند و سیر روحانی انسان را
متوقف می نماید.

ماه رجب، ماه یگانه شدن با خدا، ص: ۵۹

شاید برایتان پیش آمده باشد یک بار که گرسنه نیستید ولی باز غذا می خورید، می بینید که چه قدر روحتان ظلمانی شد و میل ها یتان تماماً زمینی و پست گشت. برای یک لقمه این همه دغدغه، این همه وسوسه درونی، به طوری که احساس می شود همه شور و نور دین از قلب رفت.

از برای لقمه ای این خارخار از کف لقمان برون آرید خار

در ماه رجب خاری را که در کف پای لقمان جانمان فرورفته است باید در آوریم تا بتواند جولان دهد وگرنه وقتی چشم دل بسته است هر چه هم جولان کنی به جایی نمی رسی «چشم تاریک است، جولان چون کنی».

خاردان آن را که خرما دیده ای زان که بس نان کوروبس نادیده ای

این فرومایگی است که انسان وصل به نان است، یک نحوه کوری است، کوری به جهت حجاب نان. آن وقت نمی فهمی این خرما فعلاً خار جان است.

جان لقمان که گلستان خداست پای جانش خسته خاری چراست

حتماً امتحان کرده اید، در شرایطی که گرفتار نان و غذا هستیم، وقتی که خدا را می خوانیم، عقل می گوید: خدا، ولی جان و قلب نمی گوید. چرا وقتی که می خواهیم دعا

ماه رجب، ماه یگانه شدن با خدا، ص: ۶۰

بخوانیم، قلب همراه نمی شود؟ ریشه اش کجاست؟ ریشه اش ماه رجب نداشتن است. «جان لقمان که گلستان خداست» مگر قلب مؤمن، عرش رحمان نیست؟ چه شده که آن احساس خدا داری از بین رفته است؟

مصطفی زادی برای این اشترسوار

اشترآمد این وجود خارخار

شتر چه می خواهد بخورد؟ سرش را زیر می اندازد و خار می خورد. یک مصطفی «صلوأة الله علیه وآله»، یک پیامبر، یک انسان روحانی، یک جان ملکوتی، روی این شتر نشسته است. این شتر باید سرش را بالا آورد، او بخورد و ما هم بایستیم که نمی شود! یک کوزه عطری روی این اشتر است، اشتر زیاد نباید به سوی زمین خم شود، چراکه این کوزه می افتد، باید سرت را بالا بیاوری. در ماه رجب إن شاءالله و به لطف خدا باید سرتان را بالا بیاورید.

مصطفی زادی برای این اشترسوار

اشترآمد این وجود خار خار

مگر ما از نسل مصطفی (صلوات الله علیه وآله) نیستیم؟ ما همه مان فرزندان روحانی پیامبر (صلوات الله علیه وآله) هستیم. ما سوار بر اشتر بدن هستیم.

کز نسیمش درتو صد گلزار رُست

اشترا! تُنْگِ گُلی بر پشتِ توست

ماه رجب، ماه یگانه شدن با خدا، ص: ۶۱

مواظب باش با توجه به زمین و میل های زمینی این تنگ عطر نیفتد. تنگ عطری که از نسیمش صدگلزار را معطر می کند، تمام احوالات و خلوت های تو را به حال و نشاط می کشاند.

میل تو سوی مگیلان است و ریگ تاچه گل چینی زخارمردگی

همان طور که شتر از خار مگیلان و ریگ بیابان، گل سرسبز نمی تواند به دست آرد. تو هم با نان و غذا نمی توانی نسیم روحانی روحت را به دست بیاوری.

ای بگشته زین طلب ازکوبه کو چند گویی کین گلستان کُوکُو

گلستان پیش تو است با توجه بیش از حد به نان، آن گلستان گم شده است. اول باید خود را از حاکمیت نان آزاد کنی.

پیش از آن کین خارپا بیرون کنید چشم تاریک است جولان چون کنید

حالا هرچه درس تفسیر بیاییم و نماز بخوانیم، تا این جان را از میل های فاسد حاکم بر روح، آزاد نکنیم، هرچه بدویم فایده ای ندارد، این خار وقتی کف پای جان آدمی هست، هرچه بدود بیشتر فرو می رود.

ماه رجب، ماه یگانه شدن با خدا، ص: ۶۲

بیش از آن کین خارِ پا بیرون کنید چشم تاریک است جولان چون کنید

پس اول باید خودتان را از این میل های بدنی آزاد کنید، آن وقت باور کنید غذا هم که می خورید نور می دهد. در روایت داریم که: «مؤمن وقتی غذا بر او حاکم نبود، افطارش نورانش می کند».

بعد مولوی یک نکته خیلی بیدار کننده ای را مطرح می کند که چگونه وجود مجرد نامحدود انسان، محدود به یک لقمه نان می شود و این با این که خیلی عجیب است ولی واقعیت دارد.

آدمی کو می ننگد در جهان درس خاری همی گردننهان

ملاحظه می کنید از یک طرف تمام دنیا برای انسان کم است، همه دنیا نمی تواند شما را قانع کند ولی یک وقت هم در یک لقمه نان گم می شویم. اسیر یک لقمه نان می شویم، چه طور شده است که انسان اسیر می شود، آدمیت او گم می شود؟ این حرف اصلی ما است، در این ماه بیایید آن وسعت آسمانی خود را از گم شدن در محدوده دنیا، نجات دهیم، بقیه اش هم به امید دعاها و ذکرها. و این که زیارت

ماه رجب، ماه یگانه شدن با خدا، ص: ۶۳

اباعبدالله (علیه السلام) را شروع ماه رجب قرار بدهید، چون خواستند ما به همه چیز برسیم، راه معاشقه با اباعبدالله (علیه السلام) را برای ما باز کردند، که شروع خوبی برای ورود به ماه رجب است.

